



شناسایی عوامل موثر بر تقویت ارزشهای دینی در میان دانش آموزان نوجوان

رضا حسن پور

کارشناسی مشاوره، دانشگاه پیام نور هفتکل

reza1371rezahpk@gmail.com

چکیده

ارزش ها و باور های دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت کرده و خواسته ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان هایی برای جامعه تربیت می نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند. تربیت دینی شکوفا کردن قوای انسان به طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش های الهی است. بر این اساس، رشد و تثبیت باورهای دینی به طور اعم در جامعه و به طور اخص در مورد دانش آموزان، در درون نظام آموزشی، یکی از مسائل اساسی و مهم کشور است. نهادهای مختلفی می توانند بر امر درونی کردن ارزش های دینی نقش داشته باشند؛ ولی اهمیت مراکز آموزشی در این بین بسیار زیاد است، به خصوص این که در جمهوری اسلامی ایران به مدارس و تربیت دینی، به خصوص در دوره دبیرستان، اهمیت ویژه ای داده می شود زیرا مراحل اولیه رشد و تکوین شخصیت در دوران نوجوانی تثبیت می شود و گاهی برای تمام عمر پایدار باقی می ماند. تأکید بر تربیت دینی و اخلاقی و تقویت آن در دانش آموزان نوجوان از این جهت اهمیت دارد که آنها در آینده ای نه چندان دور مسئولیت اداره جامعه را به عهده خواهند گرفت و اگر این تربیت، درست اتفاق بیفتد می توان امیدوار بود که آیندگان نیز در انتقال آن ارزش ها به نسل بعد موفق باشند. در این باره، درونی کردن ارزش ها می تواند به این هدف بزرگ جامعه عمل پوشاند. لذا با توجه به اهمیت موضوع، این تحقیق با هدف شناسایی عوامل موثر بر تقویت ارزشهای دینی در نوجوانان صورت پذیرفت.

کلید واژه: ارزش، باور، نوجوان، دینی، خانواده، مدرسه

مقدمه

ارزش یک باور مفهومی و معنوی است که بر اساس نوع عقیده و نگرش اساسی در یک جامعه نسبت به پدیده های کمی و کیفی به وجود می آید و اعتقاد به این ارزش ها و التزام به آن موجب عینیت بخشیدن به یک شیء و یا یک پدیده می گردد. طبیعی است که در هر جامعه ای اگر ارزش ها به ضعف بگراید و یا در معرض سراسیمگی سقوط قرار بگیرد خلأ هویت نیز رخ می نماید و سلطه ی اجانب بر آن مستولی خواهد شد و بالعکس. در صورت پایدار بودن ارزش ها نوعی مصونیت نیز به همراه آن به وجود خواهد آمد و قدرت و توانایی ادراک پویایی و خلاقیت قدرت انتصاب، ابداع، تفکر و آفرینش همراه انسان و جامعه خواهد بود.

آموزش ارزش های دینی نوجوانان امری ضروری و لازم است و این ضرورت حداقل از دو دید فردی و اجتماعی قابل رسیدگی است. از لحاظ فردی باید بگوییم پایبندی به ارزش ها مایه ی سعادت فرد در همه ی ابعاد زندگی اوست.

ارزش های دینی کنترلی برای اخلاق ضابطه ای برای حیات فردی و اجتماعی و رشد معنویت و آرمان گرایی است. از طریق آن کودک می تواند برای زحمات خود پاداشی از درون تهیه کرده و کسی که از طریق نیروها و انگیزه های درونی برای انجام تکالیف و وظایف هدایت شود از آسیب پذیری کمتری برخوردار است. آلودگی ها در او رو به کاهش می گذارد اضطراب، و وسوسه ها که به خصوص در سنین نوجوانی عارض فرد می شود از میان می رود و آرامش نسبی برایش حاصل می گردد. در جنبه ی اجتماعی ارزش های دینی عامل انس و الفت است زمینه را برای انسان دوستی، همدردی و استحکام بخشیدن به روان فراهم می آورد. کودکان را از همان آغاز



تحت ضابطه ای قرار می دهد که در آن نسبت به دیگران با دید عواطف انسانی نگاه کنند. عامل کنترلی برای فرد است که در اجتماع خود را از ایداء و شرارت ها دور نگهدارد. اذیت و آزارش به دیگران نرسد مردم از دست و زبان و شرش درامان باشند و در حبّ و بغض های اجتماعی خدا را فراموش نکنند (مظفری، ۱۳۹۱).

ارزش های دینی برای افراد رنگ الهی دارد و ریشه ی آن در اعماق وجود و روان و فطرت همه ی انسان هاست. کنجکاوی های نوجوان درباره ی علل و مبادی جریانات و پدیده ها وسیله ای موثر برای طفل است که ذهن او را به کار اندازد و نشانه ای است از آمادگی او برای پذیرش ارزش های دینی. مجموعه عوامل تربیت کودک می توانند با استفاده از این زمینه قلب کودک را با فروغ ایمان روشنی بخشند. در تقویت ارزش های دینی نوجوانان عوامل متعددی دخالت دارند. انتظار می رود هم اکنون در کشوری که داعیه حکومتی مبتنی بر ارزش های دینی را دارد و تقویت ارزش ها دغدغه مسئولین درجه یک آن می باشد آموزش ارزش ها از کودکی از اهم وظایف حکومتی کشور قرار گیرد تا از این رهگذر به تربیت نسلی ارزش مدار و متعلق به ارزش های دینی نائل گردیم. بدیهی است تربیت نسلی پایمند به ارزش های دینی از بسیاری از گرفتاری های روحی و روانی، هنجار شکنی های اجتماعی، شکاف نسلی و ... جلوگیری کرده و جامعه را برای بهره مندی کامل از تمامی امکانات و استعداد های انسانی و مادی قادر می سازد. (همان منبع)

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان نامه ها، از طریق مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و اینترنت انجام شده و سپس پردازش داده ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده بهینه، استدلالی و عقلی برای ارائه مطالب و نتایج پژوهش مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.

بحث درباره یافته ها

با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر بر تقویت ارزشهای دینی نوجوانان می باشد بنابراین ابتدا مروری بر ادبیات نظری مرتبط با موضوع مورد نظر داشته و سپس به بررسی علل و عوامل موثر بر آن می پردازیم.

تعریف ارزش و ارزش دینی

ارزش:

ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل گیری حیات اجتماعی است.

واژه ارزش یکی از واژگانی است که دارای غنی ترین، پیچیده ترین و مشکل ترین معناست. فرهنگ واژگان فلسفی لاند چهار معنای متمایز در ارتباط با چهار ویژگی برای ارزش یافته است.

الف) اینکه این اشیاء تا چه حد مورد علاقه و مطلوب فرد یا حسب المعمول گروهی از افراد معین هستند.

ب) اینکه این اشیاء تا چه حد شایستگی تحسین و مطلوبیت را دارا هستند.

ج) اینکه این اشیاء تا چه حد هدفی را برآورده می سازند.

د) اینکه در گروهی خاص و زمانی ویژه در برابر این اشیاء چه مقدار کالایی که معیار ارزش به حساب می آید، داده می شود.

هر چند در این تعاریف کیفیت اشیاء مطرح است، ولی کیفیت خاص آن به خودی خود بلکه آن طور که افراد آنان را با توجه به منفعتی که در آن می بینند و ارزیابی می کنند تعیین کننده ارزش آنهاست. (ساروخانی، ۱۳۷۶)

ارزش های دینی:

ارزشهای دینی آن دسته از باورهایی هستند که در واقعیات نفس الامری ریشه دارند که از طریق عقل و یا به کمک وحی کشف شده اند. ارزشهایی که در وحی ریشه دارند و از طریق انبیا به جوامع انسانی هدیه می شود.

با مطالعه ادبیات تحقیق چندین عامل مؤثر بر تقویت ارزشهای دینی در بین نوجوانان مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت که در ذیل بطور مفصل به آنها پرداخته می شود:



*عامل خانواده

محیط خانه و خانواده نخستین محیط تربیتی است که انسان را تحت تاثیر خود قرار می دهد و به ساماندهی شاکله تربیتی انسان می پردازد. این محیط به دلیل مناسبات و روابط عاطفی و الگودهی و فرهنگ سازی در آن، پایدار ترین تاثیرات عاطفی، روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان فراهم می کند. فضای خانه و خانواده، مناسبات انسانی در آن، ساختار محبتی آن، اعتدال و عدم اعتدال در آن، فرهنگ خانوادگی، آرامش و عدم آرامش محیط خانه و خانواده، آسایش و عدم آسایش در آن، رفتارهای اعضای خانواده و نحوه مدیریت خانه، بهداشت خانواده، آموزشهای درون خانوادگی، دیدگاهها و رفتارهای تربیتی، باورها و اعتقادات، نوع برخورد با آموزه های دینی و انجام و عدم انجام آنها، نوع برخورد والدین در قبال انجام یا عدم انجام امور دینی فرزندان و... همه به شدت فرد را تحت تاثیر قرار می دهد؛ به ویژه اینکه دوران ارتباطهای خانوادگی طولانی است بخصوص در سالهای اول زندگی فرد دامنه این تاثیرات بسیار گسترده است. (مشاءزمینی، ۱۳۹۲)

بنابراین نقش خانه و خانواده در تربیت فرد و آموزش آموزه های دینی نقش اساسی است و هر چه ساختار آن از سلامت و اعتدال و محبت و آرامش بیشتر و بنیانهایی محکمتر برخوردار باشد. شاکله تربیتی فرد نیز مطلوب تر خواهد بود پیوندهای عاطفی خانوادگی و مناسبات انسانی در خانه بهترین زمینه رشد و تعالی آدمی است و هیچ کس از چنین پیوندها و مناسباتی بی نیاز نیست. خانواده پس از تولد فرزند برای یک مدت نسبتاً قابل توجه تنها گروهی است که کودک با آن تماس دارد و فرآیند اجتماعی شدن کودک نیز معمولاً از خانواده شروع می شود. به همین دلیل در شکل گیری گرایش ارزشها و باورهای کودک خانواده نقش اصلی را بر عهده دارد. کودک در اوائل وجود، هنوز شکل نگرفته و برای هر یک از سعادت و شقاوت قابلیت دارد. می تواند یک انسان کامل گردد و میتواند به صورت یک حیوان پست و فرومایه درآید. سعادت و شقاوت آینده هر فردی به کیفیت پرورش او بستگی دارد و این کار بزرگ بر عهده پدر و مادر نهاده شده است. پدر و مادر انسان ساز و کمال آفرینند. بزرگترین خدمتی که پدر و مادر می توانند نسبت به فرزندان شان انجام دهند این است که فردی خوش اخلاق، مهربان، انسان دوست، خیرخواه، آزادمنش شجاع، عدالت خواه، دانا درستکار، با شرافت، با ایمان، وظیفه شناس، سالم، کارکن، با سواد، خدمتگزار پرورش دهند. فردی که هم در دنیا سعادتمند باشد هم در آخرت. (همان منبع)

کودکی که در یک خانواده دینی به دنیا می آید از همان ابتدای زندگی با مشاهده رفتارهای پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده باورهای دینی را یاد می گیرد و به تدریج خود نیز به تقلید از آنان، اعمال دینی را انجام می دهد. کودکان به تدریج الگوهای رفتاری والدینشان (شامل باورها و اعمال دینی را درونی می سازند و از حالت تقلید صرف بیرون آمده با اشتیاقی که منشأ درونی دارد به باورهای دینی احترام می گذارند و سعی می کنند اعمال دینی را نیز به جا آورند. حال اگر خانواده ای که کودک در آن پرورش می یابد خانواده ای باشد که اعضای آن به باورهای دینی پای بند نیستند و اعمال دینی را به جا نمی آورند مسلماً آن کودک، تا سنین خاصی که در چارچوب خانواده تربیت می شود اعمال دینی را آموزش نخواهد دید و در نتیجه به باورهای دینی پای بند نخواهد بود. تربیت دینی همچون سایر جنبه های تربیت مانند تربیت جسمانی، ذهنی، اخلاقی و... فرایندی است دو سویه که باید آموخته و فرا گرفته شود. یادگیری در تربیت دینی دارای دو بعد شناختی و رفتاری است که خانواده ها باید در هر بعد وظایف خاصی را بکار گیرند. (خورسندی، ۱۳۹۲)

۱- بعد شناختی

خانواده نخست باید به کودک اندیشیدن را بیاموزد و بعد آموزش را از آشنایی کودک با طبیعت آغاز کند. بدین معنا که درباره نظم و زیبایی سخن بگوید سپس رابطه طبیعت را با خدا تبیین کند به تدریج که کودک رشد می کند می توان مفاهیم دینی را به او آموخت. باید به کودک آموخت که تصور خداوند در هر حالت و هر شکل باید همراه تقدیس و تکریم باشد. باید مراقب بود تا والدین و سایر اعضای خانواده بی جهت نام مقدس خدا را به زبان نیاورند که این کار قداست نام خدا را کم رنگ می کند و فرزندان نیز به تبعیت از خانواده به طور مکرر و بی جهت نام خدا را به زبان می آورند.

۲- بعد رفتاری



مربی در خانواده چه در جایگاه پدر و مادر و چه در جایگاه خواهر و برادر باید سعی کند تا در کودک فضایل اخلاقی به ملکات اخلاقی مبدل گردد. برخی از فلاسفه معتقدند که باید فضایل اخلاقی چنان در روح آدمی رسوخ کند که حتی در خواب هم به عمل خلاف نیندیشد و این ممکن نیست مگر اینکه عادات نیک از کودکی در وی پرورش یابد. به همین جهت تربیت را فن تشکیل عادات دانسته اند. یکی از راههایی که کودک میتواند به وسیله آن دارای عاداتی نیک و رفتاری پسندیده گردد داشتن الگوی مناسب است که بهترین الگو برای کودک خانواده می باشد. (فرهادیان، ۱۴۰۰)

*عامل معلمان

مربی عامل مؤثری در هدایت و یا انحراف تربیتی است. به خصوص مربی امور دینی که با اعتقادات و افکار تربیتی خود در ارتباط است. آموزش مسائل دینی توسط مربی نا آگاه یا مغرض می تواند زحمات پدر و مادر را نیز از بین برده و فرد را به بیراهه بکشد و در نقطه مقابل مربی با ایمان می تواند حتی خطاهای تربیتی والدین را سامان بخشد.

در ارتباط با پرورش شخصیت دانش آموز نوجوان بالاخص پرورش شخصیت دینی او و ایجاد فضایی مناسب جهت گرایش بیشتر به سوی ارزشهای دینی و معنوی نقش معلم از اهمیت زیادی برخوردار است. در این میان آنچه به عنوان ایده آل و مطلوب در محیط مدرسه تلقی می گردد این است که تمامی معلمان به تناسب و سعیشان در پیشبرد این هدف عالی سهیم شوند. این تفکر که تربیت اسلامی و ایجاد انگیزه در دانش آموزان در زمینه های دینی و مذهبی به عهده معلمان و مدرسان درس معارف (دینی) است پنداری غلط و نادرست میباشد. اگر چه از مربیان و معلمان دینی و پرورشی انتظار بیشتری می رود ولی این هرگز بدان معنی نیست که دیگر معلمان وظیفه ای در قبال تربیت دینی دانش آموزان ندارند سایر معلمان چه توجه داشته باشند، چه نداشته باشند رفتار و منش آنان برای دانش آموزان الگو خواهد و بلکه اعمال و رفتار اخلاقی و دینی آنان چه بسا به مراتب از مربیان پرورشی و معلمان دینی موثرتر و نافذتر می باشد. تربیت اسلامی مخصوص تمام معلمان است و همه باید در این راه دانش آموز را یاری کنند پس لازم است که نوعی تفکر سیستمی بر مدرسه و معلمان حاکم باشد و همه خود را رکنی از ارکان این سیستم بدانند که حذف هر کدام کار را بر دیگران مشکل تر کرده و حتی شاید نتیجه ای چندان مطلوب را عاید دست اندرکاران تعلیم و تربیت ننماید. (مشاءزمینی، ۱۳۹۲)

*عامل دوستان

انسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد؛ و نیز روابط اجتماعی با دوستان و انتخاب دوستان لایق و یا نالایق یکی از مراحل سرنوشت ساز تربیتی است. دوستان در ساختمان فکری و شخصیت یکدیگر بسیار موثرند. توجه به نوع رفاقت و معاشرت فرزندان برای امر تربیت ضروری و اساسی است. هر دوستی به میزان رفاقت و دوستی در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ میکند و هر یک دانسته یا ندانسته روی عقاید و رفتار و گفتار و اخلاق دیگری تاثیر می گذارد این تاثیرگذاری و تاثیرپذیری تا آنجاست که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه و انسان بر دین و آیین دوست و همنشین خود است.» (صمدیان فر ۱۳۸۸، انسان موجودی اجتماعی است و اجتماعی شدن و اجتماعی رفتار کردن انسان تابع متغیرهای چندی است از جمله گروه همسالان نوجوان به داشتن ارتباط با دیگران احساس نیاز می کند در عین اینکه میخواهد که استقلال خویش را نیز حفظ نماید. او از راه معاشرت با هم نوعان دانش اجتماعی و بینش بیشتری در زندگی خویش کسب مینماید و بیش از دیگران به دوستی ها گرایش دارند. شاید یکی از مهمترین نیازهای یک نوجوان پذیرش وی در گروه همسالان است تا برایش ارزش و احترام قائل شوند. (مشاءزمینی، ۱۳۹۲)

هدف نوجوانان از زندگی جمعی و پذیرش در گروه همسالان این است که نقش اجتماعی خود را به عنوان یک زن یا یک مرد کامل کند و نیز از این طریق میتواند توانایی ها و استعدادهای خود را در حد املاء نشان دهد و رضایت خاطر کسب نماید. بنابراین هیچ انسانی در زندگی خویش از دوست بی نیاز نیست و از اینکه در گروه از دوستان بالاخص همسالان قرار گیرد احساس لذت می برد. گروههای دوستی و هم سن دارای ویژگیهایی می باشند که عبارتند از:

اعضاء در گروه با هم روابط عاطفی پیدا می کنند. اعضاء تمایل شدید به مثل هم رفتار کردن دارند. گروه تعیین کننده بسیاری از موضوعات و مسائلی است که شخص باید بگیرد و مهم ترین منبع اطلاعاتی و نگرشهای اعضاء در موارد مختلف می باشد. در دنیای دوستی صفات عالی انسانی و یا به عکس صفات ناپسند به علت عقله و تاثیر پذیری دوستان از یکدیگر به راحتی بین دو دوست منتقل



میشود و لذا داشتن فضیلت اخلاقی یک امتیاز و ویژگی مهمی است که در انتخاب دوست باید لحاظ گردد که برای تعالی شخصیت نوجوان عامل غیر قابل انکاری است. (همان منبع)

*عوامل اقتصادی و دین :

کارل مارکس^۱ معتقد است که روبنادین و باورهای دین تابعی از زیربنا (موقعیت اقتصادی افراد است و در واقع باورها و عقاید افراد بازتاب طبقه اجتماعی افراد و جایگاه آنان در نظام تولید است. مارکس در عین حال که بر آن بود که رو بناها نهایتاً بر اثر روابط تولید تعیین می گردند؛ به این نکته نیز پی برده بود که مفاهیم دینی نسبتاً خود مختارند و میتوانند به صورت متغیرهای مستقل عمل کنند. ماکس و بر دین را یک عامل روبنایی و وابسته به زیربنای اقتصادی نمی داند و معتقد است که دین در بسیاری از مقاطع و مراحل تکامل تاریخی اجتماعی سیاسی و اقتصادی نقش بسیار مهم و اساسی ایفا کرده است. اگر در یک جامعه ارزشهای مادی گسترش یابند میزان دینداری و اعتقادی مردم کاهش می یابد. (مشاءزمینی، ۱۳۹۲)

اینگلهارت^۲ معتقد است رفتار آدمیان به شدت از فرهنگی که در آن پرورده می شوند تأثیر می پذیرد، اما میزان این تأثیر پذیری را یک سلسله عوامل عینی تعیین می کنند. از نظر وی ، اگر فردی به جای این احساس که زندگی و بقا در خطر است با این احساس بزرگ شود که ادامه حیات امری مسلم و بدیهی است. این امر تقریباً تمام ابعاد جهان بینی فرد را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اینگلهارت بر این باور است که مخاطرات شخصی، نیاز به اطمینان دینی را افزایش می دهد و آن کسانی که از حداقل امنیت جانی و اقتصادی در زندگیشان برخوردارند. بیشترین نیاز به راهنمایی و اتکایی دارند که هنجارهای فرهنگی رایج و اعتقادات دینی مطلق آن را تأمین می کند. (محمدی آشنانی، ۱۳۹۰)

وی امنیت سال های رشد را عامل مهمی در تبیین ارزشهای فرد می داند . (راسخی، ۱۳۸۵) نظریه وی مبتنی بر این فرض است که پس زمینه خانوادگی، عامل قطعی مؤثر در میزان امنیت سال های رشد است و این امر ارزشهای شخص را شکل می دهد. اینگلهارت از سطح حرفه ای و سطح تحصیلات پدر به علاوه سطح تحصیلات خود فرد به عنوان شاخص های امنیت سال های رشد استفاده کرده است. وی معتقد است که هر چند سطح تحصیلات خود فرد منطقاً شاخص خوبی است سابقه تحصیلی والدین میزان مستقیم تر و کم بهاتری از امنیت سال های رشد است.

*عوامل فرهنگی و دین

فرهنگ یکی از گسترده ترین مفاهیمی است که در علوم اجتماعی از آن استفاده می شود. دلالتهای ضمنی و بار معنایی وسیعی دارد فرهنگ ضمن آن که مشترکات گروهی بین افراد را می نمایاند از ویژگی خاص گرایانه و تمایز بخش نیز برخوردار است و به مجموعه ارزش ها آداب و رسوم سنت ها و دست آوردهای عادی و معنوی یک جامعه اطلاق می شود که باعث تمایز آن از جوامع دیگر می گردد. (محمدی آشنانی، ۱۳۹۰)

فرهنگ و دین به اندازه ای به هم نزدیک و هم پوشانی دارند و به هم دیگر تأثیر می گذارند که در این باره وبر اظهار میدارد یکی از تأثیرات اساسی دین بر فرهنگ این است که برخی از هنجارها را قالبی می کند چون به محض آن که یک دستور العمل به مرحله فرمان الهی رسید، تقدس می یابد و بدین ترتیب از دایره پیمانهای قابل تغییر خارج می شود و از چنان اعتباری برخوردار می شوند که فقط میتوان آنها را تفسیر کرده و تغییر آنها ممکن نیست. (شریعتی و قدیمی، ۱۳۹۵)

*عامل اجتماع

به لحاظ جامعه شناسی برای تعیین برنامه های آموزشی و تربیتی باید به شرایط اجتماعی آن زمان نیز توجه نمود. از جمله شرایطی که در حال حاضر جامعه ما با آن رو به رو است. گسترش امواج دیدگاهی که سبب میشود تربیت دینی کم اهمیت جلوه کند برای مثال، طرفداران سعی می کنند تا تعالیم مذهبی را از برنامه مدارس حذف کنند. منظور از محیط اجتماع کلیه افراد غیر از خانواده و مدرسه میباشد که نوجوان به نحوی با آنها در تماس و برخورد است و هر کدام به گونه ای در او تأثیر میگذارند. افراد اجتماع از همسایه و بقال و کتاب فروش و بزاز پلیس مساجد و عوامل دست اندرکاران و... که ارتباط نوجوان با بعضی از آنها شاید به لحظه ای و در

^۱ Karl Marx
^۲ Inglehart



دقایقی کوتاه انجام گیرد. در عین اینکه نقش محیط اجتماع در نوجوان ممکن است به اندازه نقش خانواده و یا مدرسه نباشد اما قابل گذشت نیست. زیرا بسیاری از انحرافها گاه از این طریق در نوجوان رخته میکند. لذا انتخاب محیط زندگی و اجتماع باید با دقت لازم انجام شود و یا در مقابل با آن باید واقعیات را به نوجوان گفت و او را در قهقرای بیرون از خانه تنها گذاشت و تا زمانیکه به میزانی از پختگی و رشد فکری و معنوی نرسیده همواره او را حامی بود. (صمدیان فر، ۱۳۸۸)

پست مدرن ها معتقدند که دین باید از یک فرانهاد به نهاد تقلیل یابد که در نتیجه این تفکر دین از عرصه اجتماعی به حاشیه زندگی شخصی و خصوصی رانده میشود. (فضل اله قمشی و ملکی توانا، ۱۳۹۳)

*عامل مدرسه

تحقق ارزشهای اخلاقی در مدرسه در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزش ها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدفهای رفتاری کسب کرده باشند.

بسیاری از مدیران و معلمان از این شکایت دارند که به رغم اندرزه های اخلاقی که در کتب درسی دانش آموزان گنجانیده شده است و سخنانی که در خلال برنامه های صبحگاهی یا سایر مراسم مدرسه برای آنان ایراد میشود و وجود اشعار و جملات زیبایی که با خط خوش بر در و دیوار مدرسه برای جلب توجه شاگردان نوشته میشود رفتارهایی مانند تقلب دروغگویی، بی اعتنائی به مقررات خشنونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده میشود. در برخی از مدارس زنگ تفریح برای درگیری های شخصی دانش آموزان است و اگر دخالت بزرگسالان مدرسه نباشد، مسائل ارتباطی بچه ها می تواند به خشونت و آسیب رسانی به یکدیگر و به وسایل مدرسه منتهی گردد. (فرهادیان، ۱۴۰۰) این مربیان با آگاهی از اینکه مدرسه مهمترین محل پرورش دانش آموزان است مایلند نقش مثبتی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان داشته باشند، اما روشهای سنتی رفتار و برخورد آنان با دانش آموزان پاسخگوی این نیاز نیست آنان معمولاً در مقابل مسائل انضباطی شاگردان سعی می کنند با نصیحت، تشویق رفتار مناسب و یا صحبت در مورد ارزشهای اخلاقی ، شاگردان را متوجه عواقب رفتار خود کنند. اما با کم اثر بودن این رفتار دلسرد و ناامید گشته و عاقبت ناچار می شوند اعمال قدرت کنند و با سرزنش تنبیه اخراج از کلاس و در نهایت اخراج از مدرسه به رفتار نامناسب دانش آموزان بی انضباط خاتمه دهند. این نوع رفتار در بسیاری از موارد به ویژه در مناطق محروم، توسط برخی از اولیاء که در برقراری نظم و اخلاق در خانه ناتوانند و تربیت اخلاقی فرزندان خود را یکسره از مدرسه انتظار دارند تشویق می گردد و اصطلاح گوشه نشینی مال شما، استخوانش مال ما ، اصطلاح قدیمی و آشنا برای بسیاری از معلمان آن نواحی است. (مظفری، ۱۳۹۱) بعضی از مربیان معتقدند که توجه به یازده عامل زیر میتواند در گسترش ارزش ها به خصوص در ایجاد دوستی و تفاهم بین دانش آموزان غنی کردن محیط مدرسه و کاهش مسائل انضباطی مؤثر واقع گردد. این عوامل به طور مختصر به شرح زیر است:

۱ - آموزش مستقیم

ارزش های اخلاقی مانند مسئولیت پذیری احترام به حقوق دیگران همکاری، صداقت، شجاعت و مهارت های ارتباطی باید در مدرسه برنامه ریزی گردد و مانند سایر دروس به طور مستقیم در کلاس و مدرسه تدریس شود.

این ارزشها و رفتارهای منطبق با آن در انسان ذاتی و خودانگیخته نیست بلکه در طی رشد کودک و در اثر ارتباط با بزرگسالان باید آموخته و درونی گردد. (مظفری، ۱۳۹۱)

۲ - آموزش مفاهیم

بسیاری از کودکان در بدو ورود به مدرسه درک روشنی از ارزشهای اساسی ندارند. اینان حتی اگر بتوانند مفاهیم فوق را تعریف کنند غالباً قادر نیستند آنها را به زندگی روزمره ی خود ارتباط دهند. لازمه ی پرورش اخلاقی کودکان این است که آنان را در درک این نوع مفاهیم و چگونگی تطبیق دادن آنها با واقعیتهای روزمره زندگی آشنا ساخت.

۳- به کارگیری زبان مثبت

گفتار و دستورهای مسئولین مدرسه و معلمان وقتی اثر بخش خواهد بود که در محیط آموزشی زبان مثبت به جای زبان منفی به کار رود. مثلاً به جای عبارتی مانند به سر جلسه ی امتحان دیر نیایید. می توان گفت که به موقع بیایید. دانش آموزان وقتی بدانند دقیقاً چه انتظاری از آنان می رود، پذیرش و اطاعت بیشتری از مقررات خواهند داشت.



۴ - تقویت بصری

کلمات و پیامهایی که بیانگر ارزشهای اخلاقی مورد نظر است، باید در نقاط مختلف مدرسه و در معرض توجه دانش آموزان قرار گیرد و در فرصتهای مختلف درباره ی آنها صحبت شود. در مدرسه ابتدایی میتوان کلماتی مانند احترام همکاری، درستی تفاهم، بخشش و عفو را به عنوان ارزشهای مهم در مدرسه با حروف درشت در تابلوهای متعدد و در سراسر یا نقاط دیگر نصب کرد. (فرهادیان، ۱۴۰۰)

۵- محتوا و فرآیند

علاوه بر آموزش ارزشها مدرسه باید شرایطی نیز برای کاربرد آنها فراهم آورد. به طور مثال وقتی به دانش آموزان می گوئیم که صداقت بهتر از دورویی و یا حضور به موقع بهتر از تأخیر است و اصلاحات بعدی آن و علی قوانین و مقررات مربوط شمیران مؤدب بودن بر گستاخی ترجیح دارد؛ باید این مفاهیم را طی فرآیندی چند مرحله ای به آنان تفهیم نمود. دانش آموزان باید بتوانند رفتار جدید را آزمایش و تمرین کنند و به آثار آن پی ببرند.

۶ - جو مدرسه

تعلیم و تربیت اخلاقی محدود به کلاس درس نیست و این ارزشها باید از مرز کلاس عبور کرده به زمین بازی سالن اجتماعات ناهار خوری دفتر مدرسه و حتی اتوبوس راه یابد و از آنجا به خانه و جامعه ی کلی گسترش پیدا کند. اگر در مدرسه روح انصاف عدالت اعتماد متقابل و صمیمیت بین مسئولان مدرسه و معلمان برقرار باشد بچه ها عدالت صمیمیت و احترام متقابل را یاد می گیرند. (مظفری، ۱۳۹۱)

۷- مواد و امکانات آموزشی ساده برای معلمان

آموزش ضمن خدمت و آماده سازی معلمان برای تدریس مفاهیم اخلاقی نباید طولانی، وقتگیر و پر خرج باشد. معلم ها اصولاً در مقابل برنامه هایی که وقت و انرژی زیادی از آنان می گیرد، مقاوم هستند. این برنامه ها و وسایل که مورد استفاده قرار میگیرد باید ساده و عملی باشد که معلمان آن را به صورت باری اضافه بر برنامه روزمره خود تلقی نمایند بلکه آن را جزء لاینفک از وظایف تدریس خود بدانند.

۸- انعطاف پذیری برنامه

برنامه آموزش اخلاقی دانش آموزان نباید تحمیلی و جزئیات آن از پیش تعیین شده باشد. این نوع برنامه ها باید انعطاف پذیر باشند و در آن جایی برای آزادی عمل و خلاقیت معلم در نظر گرفته شود. تا معلمان بتوانند ضمن در نظر داشتن معیارهای مدرسه برنامه را با شرایط خاص و سبک تدریس خود انطباق دهند.

۹- مشارکت دانش آموزان

همانگونه که برنامه تعلیم و تربیت اخلاقی باید آزادی عمل معلمان را در نظر داشته باشد. دانش آموزان هم باید بتوانند در فرآیند تعیین اهداف مشارکت داشته باشند و نسبت به آن احساس تعلق نمایند.

۱۰ - مشارکت اولیاء

برنامه تعلیم و تربیت اخلاقی دانش آموزان در صورتی پایدار و مؤثر است که اولیاء با مسئولان و معلمان مدرسه جلساتی مستمر داشته باشند و از آنچه در مدرسه تدریس و تشویق می گردد، آگاه شده در اجرای برنامه ها نقش داشته باشند. (فرهادیان، ۱۴۰۰)

۱۱ - ارزشیابی

برنامه ی آموزش اخلاق باید شامل ارزشیابی مقدماتی هدفها تشکیل جلسات و شوراها متناوب در طول برنامه و ارزشیابی نهایی نتایج باشد. در مرحله ی برنامه ریزی اولیه معلمان و کارکنان مدرسه باید بتوانند انتظارات خود را به طور مشخص بیان کنند و جزئیات اهداف مختلفی را که امیدوارند به آنها دست یابند تعیین کنند شوراها هفتگی معلمان فرصت مناسبی است تا آنان با در نظر گرفتن اهداف تدریس خود را با آنها هماهنگ سازند. ارزشیابی نهایی باید نشان دهنده ی نتایج برنامه به صورت گزارشهای کوتاه معلمان در مورد تغییر رفتار دانش آموزان بر اساس متغیرهای مورد نظر آموزش و پرورش از مهمترین دستگاههای فرهنگ ساز برای تقویت ارزشهای دینی می باشد. به طور کلی اهمیت دادن به ارزشهای معنوی دینی جهت تربیت نسلی فرهیخته که مزین به ارزشهای معنوی



باشد از اهم برنامه های مجریان مسائل تربیتی جهت تربیت کودکان است. امروزه با توجه به آن که تقویت ارزشهای دینی یکی از ارکان آموزش و پرورش کشورمان محسوب می شود، اما احساس می شود علاقه به این ارزشها کاهش یافته است آموزش ارزشهای دینی صحیح در طول دوران ابتدایی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل جلوگیری از ناهنجاریهای رفتاری و رشد اندیشه دینی و تقویت ارزشهای اعتقادی در فرد است. هنگامی که از نهادینه شدن تربیت صحبت به میان می آید منظور این است که کودکان به عنوان نسل فردا باید سیر زندگی و اهداف خود را در بستر نظام اعتقادی جامعه مشخص کنند. دکتر باهنر در این مورد میگوید؛ تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده نشانگر آن است که مسأله ی آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و گاهی با تأثیرات معکوس نیز همراه بوده است. (مظفری، ۱۳۹۱) به همین منظور باید به جای آموزش صرف تعالیم دینی باشد.

*عامل رسانه ها:

به وسایل انتقال پیام ها از فرستنده یا فرستندگان به مخاطب یا مخاطبان گفته می شود؛ که شامل روزنامه کتاب رادیو تلویزیون ماهواره تکنولوژیهای نوین ارتباطات و اطلاعات و اینترنت و..... است. این وسایل دارای ویژگیهایی مانند پیام گیران نا آشنا سرعت عمل زیاد و تکثیر پیام هستند.

رسانه ها در جریان جامعه پذیری کودکان و نوجوانان و جوانان نقشی اساسی ایفا می کنند. بدین معنی که ارزشها و هنجارهای خانوادگی و اجتماعی را به نسل جدید انتقال می دهند و آن را درونی می کنند. رسانه ها کارکردهای متفاوتی همانند انتقال ارزشها و میراث فرهنگی را بر عهده دارند اما از نظر صاحب نظران این ابزارها تنها بخشی از میراث گرانیهای نسل پیش را منتقل می کند و بیشتر خواهان و مروج نوآوری هستند و از آنجا که رسانه در جامعه در دست عده ای خاص قرار دارند سعی میکنند ارزشها و هنجار مورد پسند آن قشر خاص را ترویج کنند که ممکن است با فرهنگ سنتی نگرشها و باورهای عموم مردم در تضاد باشد و نوعی شکاف نسلی به وجود آورد. مفهوم فاصله نسلی با شکاف نسلی مترادف است و به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه ارزشها و هنجارها و به طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می شود. (فضل اله قمشی و ملکی توانا، ۱۳۹۳)

بنابراین باید با شناخت جایگاه رسانه ها در جامعه پذیری و ارائه و انتقال محتوای فرهنگی به جامعه به تدوین و سیاست گذاری مناسب در جهت استفاده مناسب از آنها پرداخت و در جهت تقویت فرهنگ و پالایش عناصر فرهنگی برای ارتقای فرهنگی جامعه و انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده کوشش کرد.

نتیجه گیری

آشنا کردن نوجوانان با ارزشهای دینی یکی از اصول مهم در تعلیم و تربیت اسلامی محسوب می شود و روز به روز با توسعه ی زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی ضرورت آن بیشتر احساس می شود. خانواده، مدرسه، کارگزاران تربیتی، سیاستگذاران، مذهبی، اجتماعی فرهنگی.... هر کدام به سهم خود می توانند در تقویت ارزشهای دینی نقش مؤثری ایفا کنند. نقش خانواده در تربیت از همان دوران کودکی پدیدار می شود که باعث ایجاد فضای گرم و صمیمی در خانواده و فراهم آوردن بستری مناسب برای تقویت ارزشهای دینی او می گردد. همچنین مدرسه با ارایه برنامه های سالم و تقویت باورهای دینی دانش آموزان می تواند نسلی متخلق به ارزشهای دینی به جامعه تحویل دهد. سیاستگذاران، مذهبی، اجتماعی فرهنگی نیز میتوانند با ایجاد فضای مناسب و ساخت مراکز فرهنگی، ورزشی و تفریحی اوقات فراغت کودکان را پر سازند و ارزشهای دینی را به او بیاموزند. از بین عوامل مؤثر در تقویت ارزشهای دینی کودکان نقش پر رنگ مسئولین کشور نمایان است. مهمترین تفاوت حکومت دینی و حاکمان آن با حکومتهای غیر دینی و حاکمان آن در این است که حاکمان حکومت دینی علاوه بر تأمین نیازهای مادی و توزیع عادلانه امکانات، توجه به فطرت و حقیقت انسان و ارزشهای انسانی را از وظایف اساسی خود میدانند. از این رو عدالت خواهی برنامه ریزی برای هدایت و تربیت جامعه برای رسیدن به سعادت حقیقی و توجه به مصالح اخروی جامعه از مشخصه های بارز اینگونه حکومت ها است.



منابع

- خوهرسندی، مریم (۱۳۹۲)، خانواده ونقش آن در تربیت دینی فرزندان، نشریات: اندیشه خانواده، شماره ۱۸
- راسخی، میکائیل، (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موثر بر میزان دینداری جوانان، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تهران شمال
- ساروخانی، باقر و شراره مهدی زاده ۱۳۸۱، تلوزیون و نوگرایی، پژوهش نامه ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵
- شریعتی، سعید؛ قدیمی گویا، شهیر (۱۳۹۵)، بررسی مفهوم ارزش های دینی و اخلاقی از دیدگاه اسلام و فلسفه، کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامع روانشناسی
- صمدیان فر، مریم (۱۳۸۸)، آسیب شناسی آموزش (تربیت) دینی در سنین نوجوانی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی گروه علوم تربیتی، گرایش تاریخ فلسفه.
- فرهادیان، رضا. (۱۴۰۰). آشنایی با طرح نهادینه سازی ارزش ها، انتشارات: مؤسسه بوستان کتاب
- فضل الهی قمشی، سیف اله؛ ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۳). اولویت بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۵، ص ۱۰۷ تا ۱۱۸
- محمدی آشنانی، علی. (۱۳۹۰)، بررسی شیوه های نهادینه کردن ارزش های دینی در جامعه، انتشارات: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- مشاء زمینی، آمنه. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل مؤثر در توجه دانش آموزان دختر به ارزشهای دینی مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران سال تحصیلی ۹۱-۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A) گرایش برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- مظفری، منیژه. (۱۳۹۱). تشخیص عوامل مؤثر در تقویت ارزش های دینی دانش آموزان دوره ابتدایی آموزش و پرورش شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی